

کارگاه ترجمه و ویرایش

علی خزاعی فر

* مطلب زیر عیناً از سایت خبرگزاری کتاب ایران نقل می‌شود:

حسن مدنی، مترجم، از ترجمه کتاب «سیر تحول صور خیال شکسپیر» نوشته «ولفگانگ آچ. کلمن» خبر داد. مدنی به خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) گفت: این کتاب فنی و تخصصی به جنبه‌های هنری آثار شکسپیر می‌پردازد تا دانشجویان تئاتر آثار این نویسنده را بهتر درک کنند. وی، نکته اصلی این کتاب را (صور خیال) تکنیکی دانست که شکسپیر برای صحنه‌آرایی و ایجاد تصویر در ذهن بیننده ایجاد می‌کند. در نمایش مسابلی است که در اجرا و در صحنه بیان می‌شود این سبک فضاسازی در آثار شکسپیر در کتاب شرح داده شده است.

به گفته مدنی، شکسپیر این تکنیک و فضاسازی را طی زمان پرورش داده است. به این دلیل عنوان کتاب «سیر تحول صور خیال در آثار شکسپیر» است. این تکنیک در آثار نخستین این نویسنده ضعیف‌تر ولی به مرور پخته‌تر و دقیق‌تر شده و این نکات با ارائه نمونه در کتاب آمده است.

مدنی افزود: در نمایش‌های اولیه شکسپیر جای خالی بسیاری از عملکردهایی را حس می‌کنیم که در نمایش‌های بعدی او به واسطه آنها تصاویر جان می‌گیرند. شکسپیر به تدریج توانست امکاناتی را که صور خیال به نمایشنامه‌نویس ارائه می‌دهد کشف کند. آرام آرام استعاره‌ها در دستان او به ابزارهایی بسی موثرتر تبدیل شدند. وی ادامه داد: در ابتدا آنها فقط چند عملکرد مختصر را کامل می‌کردند. بعدها اغلب در یک آن در خدمت چندین هدف بودند و عامل تعیین‌کننده‌ای در شخصیت‌پردازی افراد نمایش و بیان مضمون دراماتیک آن بودند. سرانجام صور خیال تبدیل به سبک بیان مورد علاقه شکسپیر می‌شود.

از مطلب فوق چه چیزی دستگیرتان شد؟ این شیوه نگارش را با چه صفتی توصیف می‌کنید؟ آیا نظیر این نوشته را در مطبوعات یا در ترجمه‌ها زیاد یا بندرت می‌بینید؟ اشکال اساسی این نوشته چیست؟ به نظر من هر کس که به هر طریق در کار نوشتن است از شیوه نگارش مطلب فوق تأسف می‌خورد یا باید تأسف بخورد. این شیوه نگارش حداقل به سه دلیل تأسف آور است. اول این که کسی آن را نوشته که طبعاً جزو اهل قلم بحساب می‌آید. این فرد به گواه نوشته‌اش با نثر فارسی مانوس نیست. دوم این که نویسنده به منطق کلام هم چندان توجهی ندارد. دلیل سوم که شاید تأسف‌آورتر از دو دلیل دیگر باشد این است که نوشته فوق

ترجمه نیست بلکه تألیف است ولی برخی جملات آن رنگ و بوی ترجمه دارد. نظیر این جمله: در ابتدا آنها فقط چند عملکرد مختصر را کامل می‌کردند، بعدها اغلب در یک آن در خدمت چندین هدف بودند و عامل تعیین کننده‌ای در شخصیت‌پردازی افراد همایش و بیان مضمون دراماتیک آن بودند.

یکی از اشکالات نوشته فوق این است که میان فاعل و فعل رابطه منطقی وجود ندارد. در پاراگراف اول می‌خوانیم: «نکته اصلی این کتاب را تکنیکی دانست که شکسپیر برای صحنه‌آرایی و ایجاد تصویر در ذهن بیننده ایجاد می‌کند.» شکسپیر تکنیک را ایجاد می‌کند، یعنی چه؟ همچنین در ادامه می‌خوانیم: شکسپیر این تکنیک و فضاسازی را طی زمان پرورش داده است. این تکنیک و فضاسازی یا این تکنیک فضاسازی؟ تکنیک را پرورش می‌دهند؟ منظور از عملکرد چیست؟ منظور از تصاویر همان صور خیال است؟ منظور از امکانات چیست؟ در جمله آخر، صور خیال تبدیل به سبک بیان مورد علاقه شکسپیر می‌شود. صور خیال خود سبک نیست بلکه از ویژگیهای سبک بحساب می‌آید. منظور این است که سبک مورد علاقه شکسپیر سبکی است که از صورخیال بهره می‌برد. بالاخره در پاراگرافهای آخر، گفته‌های حسین مدنی و نویسنده خبر از یکدیگر تفکیک نشده. نویسنده خبر نمی‌دانسته که سخن کسی را یا مستقیم نقل می‌کنند یا غیرمستقیم و در هر حال خواننده باید بتواند میان سخن نویسنده و سخن کسی که مطلب از او نقل می‌شود تمایز قایل شود.

* درباره ترجمه به روش ارتباطی (در تقابل با روش صوری یا روش متمایل به لفظ نویسنده) بیشتر زیاد صحبت کرده‌ایم. در ترجمه بسیاری از جملات، مخصوصاً جملات متون غیرادبی، تمایزی میان این دو روش نیست چون این جملات را می‌توان به یک روش که همان روش متمایل به لفظ نویسنده است ترجمه کرد، اما آنجا که ترجمه جملات با این روش به جملاتی روان منجر نمی‌شود، روش ارتباطی ترجیح دارد چون این روش آزادیهای بیشتری به مترجم می‌دهد و حاصل کار متنی روان‌تر، مفهوم‌تر و خواننده‌پسندتر است. متن زیر را در یکی از کلاسهای ترجمه سعی کرده‌ایم به روش ارتباطی ترجمه کنیم.

The poetry of Gwendolyn Brooks has been praised for deepening the significance of personal and social experiences so that these experiences become universal in their implication. She has also been praised for her "sense of form, which is basic and remarkable." Many of her poems are concerned with a Black community named Bronzeville, on the south side of Chicago. Her literary skill makes Bronzeville more than just a place on map. This community, like all important places becomes a testing ground of personality, a place where

the raw material of experience is shaped by imagination and where the joys and trials of being human are both sung and judged. The qualities for which Brooks's poetry is noted are (as one critic has pointed out) "boldness, invention, a daring to experiment, and a naturalness that dose not scorn literature but absorbs it."

Her love for poetry began early. At the age of seven, she "began to put rhymes together," and when she was thirteen, one of her poems was published in a children's magazine.

During her teens she contributed more than seventy-five poems to a Chicago newspaper. In 1941 she began to attend a class in writing poetry at the South Side Community Art Center, and several years later, her poems began to appear in Poetry and other magazines. Her first collection of poems, *A Street in Bronzeville*, was published in 1945. Four years later, Annie Allen, her second collection of poems, appeared. In 1950 Annie Allen was awarded a Pulitzer Prize for poetry. A novel, *Maud Martha*, about a young Black girl growing up in Chicago, published in 1953, was praised for its warmth and insights. In 1963 her *Selected Poems* appeared.

شعر گویندولین بروکز را به دلیل دو خصیصه تحسین کرده‌اند. یکی برجسته‌سازی تجارب شخصی و اجتماعی شاعر به نحوی که این تجارب به تجاربی عام تبدیل می‌شود، دوم «درک شاعر از فرم که اساس شعر اوست و خارق‌العاده است». بسیاری از شعرهای بروکز درباره محله‌ای به نام برونزویل در جنوب شیکاگوست. شاعر به مدد مهارت ادبی خود کاری می‌کند که برونزویل از مکانی روی نقشه فراتر برود. این محله مثل همه مکانهای مهم ادبی به مکانی برای محک زدن شخصیت تبدیل می‌شود، مکانی که در آن تخیل به مواد خام تجربه شکل می‌دهد و شادیه‌ها و مصائب بشر به زبان شعر بیان شده و مورد داوری قرار می‌گیرد. شعر بروکز، به تعبیر یکی از منتقدان، به دلیل این خصلت‌ها شعری در خور توجه است: «تهور، نوآوری، جسارت در تجربه کردن و بکارگرفتن زبان روزمره، زبانی که ذهن کجی به ادبیات نیست بلکه عین ادبیات است.»

بروکز در کودکی به شعر علاقه‌مند شد. در سن ۷ سالگی قافیه می‌ساخت و ۱۳ ساله بود که یکی از شعرهایش در یک مجله کودکان به چاپ رسید. قبل از آن که به بیست سالگی برسد، بیش از هفتاد و پنج شعرش در یک روزنامه شیکاگو بچاپ رسیده بود. در سال ۱۹۴۱ در یک کلاس آموزش شعر در یک مرکز هنری در جنوب شیکاگو شرکت کرد و چند سال بعد شعرهایش از مجله معتبر پوئتری و دیگر مجلات ادبی سردرآورد. اولین دفتر شعرش، خیابانی در برونزویل، در سال ۱۹۴۵ منتشر شد. چهار سال بعد، جایزه پولتیز در شعر به دومین دفتر شعرش *انی ان اعطا* شد. در سال ۱۹۵۳ رمانی به نام *مادامارتا* منتشر کرد. این رمان که داستان دختر جوان سیاه‌پوستی است که در شیکاگو بزرگ می‌شود، به دلیل صمیمیت و نگاه نوی آن مورد تحسین واقع شد. در سال ۱۹۶۳ «گزیده اشعار بروکز» انتشار یافت. ●